



مسلم خلخال

مدیرمسئول خبرنامه دانشجویان ایران

در حالی که هفته آخر انتخابات ریاست جمهوری نزدیک می‌شود که نامزدهای ریاست جمهوری بعد از ۳ مناظره و چندین میزگرد اقتصادی، فرهنگی و ... به جزء چند حواشی ریز و درشت چیز خاص دیگری به همراه نداشتند. حواشی کوچکی مانند اشتباهات لپی نامزدها تا حواشی بزرگی مانند قهر کردن مشاور و پرت کردن میکروفن به سمت آقای نامزد در برنامه زنده تلویزیون که واکنش‌های مختلفی به همراه داشت. البته نباید منکر آن شد که رسانه ملی با ایجاد برنامه‌های تخصصی مختلف در شبکه‌های مختلف رادیویی، تلویزیونی و پلتفرم‌های اینترنتی شرایط خوبی را برای آگاهی مردم از برنامه‌ها و طرح‌های نامزدها فراهم کرد. در همین برنامه‌ها بود که مردم متوجه می‌شوند برخی نامزدها برنامه چندان خاصی برای تکیه زدن بر صندلی ریاست جمهوری ندارند و تا حرفی از موضوعی می‌شود به مشاوران و کارشناسان حواله می‌دهند دروغ از آنکه حتی مدیریت کافی برای اداره مشاوران خود را هم ندارند و تنها می‌خواهند با حضور چهره‌هایی از دولت‌های قبل با کارنامه‌هایی مشخص برای خود رای دست و پا کنند.

از طرفی با گذشت بخش زیادی از زمان تبلیغات نامزدها برخی صاحب‌نظران معتقدند که در بین شش نامزد حاضر، امیرحسین قاضی‌زاده هاشمی، مصطفی پورمحمدی و علیرضا زاکانی شانس چندانی برای نشست بر صندلی ریاست جمهوری ندارند و رقابت اصلی را باید بین محمدباقر قالیباف، مسعود پزشکیان و سعید جلیلی جستجو کرد که از این سه نامزد اصلی دو نفر از آن‌ها یعنی قالیباف و جلیلی به «جبهه انقلاب» تعلق دارند در مقابل تک نامزد اصلاحات، غریب‌رایان و اعضای کابینه دولت روحانی یعنی مسعود پزشکیان نیز در طرف دیگر این رقابت حضور دارد. چیزی که بیش از همه خطر تقسیم آرا بین نامزدهای «جبهه انقلاب» را تشدید می‌کند و تبدیل به فرصتی می‌شود که جبهه رقیب به دنبال آن بود، عدم اجماع بر یک گزینه نهایی و تقسیم آرای دو طرف است. فرصتی که قابلیت آن را دارد انتخابات را به دور دوم بکشاند و به نحوی می‌توان احتمال داد که پزشکیان با وجود تقسیم آرا بین دو رقیب خود یعنی جلیلی و قالیباف یک پای ثابت دور دوم انتخابات باشد.

با این وجود به نظر می‌رسد که نامزدهای «جبهه انقلاب» هم به خوبی می‌دانند که در انتخابات پیش رو اگر می‌خواهند باری دیگر کشور به دست غریب‌رایان با کارنامه ضعیف دولت روحانی نیفتد نیاز است که برای مدتی اختلاف نظر را کنار گذاشته و با هم بر یک گزینه مشترک اجماع کنند؛ اما انتظار اجماع از طرف مردم نسبت به چهار نامزد «جبهه انقلاب» در حالی شکل گرفته است که همه نامزدها در اظهاراتی اعلام کردند که کناره‌گیری نمی‌کنند اما برخی تحلیلگران بر این باورند که در پایان اجماع نهایی بین دو نامزد اصلی یعنی قالیباف و جلیلی خواهد بود. چیزی که به نظر می‌رسد مردم به دنبال اجماع برای گزینه‌ای هستند که بیشترین اقبال عمومی را داشته باشد نه اجماعی بر اساس فشارهای احزاب و گروه‌های سیاسی که ممکن است به سمت و سوی نامزدی برود که از اقبال عمومی کمتری برخوردار است.

از این رو یکی از موضوعاتی که می‌تواند در اجماع سازی برای «جبهه انقلاب» کمک کننده باشد افکارسنجی‌های دقیق و معتبر تا روزهای آخر و حضور میدانی نامزدها در بین مردم و سفرهای استانی خواهد بود چیزی که می‌تواند پایگاه اجتماعی هر نامزد را تا حدودی به خوبی نشان دهد. از این رو می‌توان گفت باتوجه به نتایج برخی افکارسنجی‌های معتبر که تاکنون منتشر شده سعید جلیلی پیش‌تاز انتخابات است و با فرض اینکه این پیش‌تازی تا روزهای پایانی رقابت نیز ادامه داشته باشد احتمالاً اجماع بر اساس خواست و اراده مردم، جلیلی خواهد بود و با کنار کشیدن قالیباف دیگر نامزد «جبهه انقلاب»، جلیلی گزینه احتمالی برای اجماع نهایی باشد. این احتمالات در حالی است که یکی از نمایندگان تهران که در انتخابات گذشته مجلس نیز در ائتلاف با محمدباقر قالیباف، در یک لیست انتخاباتی حضور داشتند در سخنانی از احتمالاتی پرده برداشت که احتمالاً قالیباف باتوجه به افکارسنجی‌ها با از خودگذشتگی کنار خواهد کشید. این نماینده مدعی شد که طبق شش‌پنجه‌هایی از قالیباف، وی تأکید داشت که تا پیش از ۸ تیر باید با یک نامزد وارد میدان شد و این یک روحیه از خود گذشتگی را نشان می‌دهد چرا که هر فرد در مورد خودش می‌تواند این حرف را به صورت قطعی بزند و به نظر می‌رسد وی خود را آماده می‌کند اگر در صحنه انتخابات شخص دیگری در افکارسنجی‌ها بالاتر بود ایشان در میدان رقابت نمی‌ایستند و اعلام آمادگی خود را برای اینکه اگر در افکارسنجی‌ها شرایطی حاصل شد که با کنار رفتن ایشان می‌تواند به دیگر نامزد یعنی آقای جلیلی کمکی کند آن را فراهم می‌کند که قابل تقدیر است.

این نماینده مجلس در صفحات مجازی خود نوشت: به نظر می‌رسد اگر طبق نتایج نظرسنجی‌ها امکان رای آوری برای ایشان (قالیباف) کمتر باشد، احتمالاً از عرصه کنار بکشد. حال باید دید افکارسنجی‌ها تا روزهای پایانی کدام نامزد را گزینه مناسب‌تری برای اجماع نهایی معرفی می‌کند که هر احتمالی نیز قابل پیش بینی است و ممکن است اگر با خوش‌بین‌ترین حالت ممکن نگاه کنیم شاید دو نامزد اصلی جبهه انقلاب به دور دوم انتخابات کشیده شوند که این نسبت به دیگر احتمالات از شانس کمتری برخوردار است. در پایان نیز می‌توان گفت که در انتخابات هایی که در کشور ایران برگزار می‌شود امکان پیش‌بینی نامزد پیروز میدان تقریباً وجود ندارد و این نشان دهنده آن است که مردم انتخاب می‌کنند و این نکته که کسی نمی‌تواند تعیین کند چه کسی پیروز این انتخابات است نشانه سلامت انتخابات در کشورمان است و مردم حرف آخر را در انتخابات می‌زنند و باید به خواست و نظر مردم نیز در خصوص موضوعات مختلف از جمله اجماع بر اساس اقبال عمومی توجه کرد.



# اجماع؟!!

## آیا قالیباف کنار می‌کشد؟



فعالین دانشجویی از ویژگی‌های شهید رئیسی و ادامه دهندگان دولت رئیسی می‌گویند؛

# ادامه راه رئیسی!



حمیدرضا معروفخانی دبیر واحد سیاسی اتحادیه جامعه اسلامی دانشجویان

برای اینکه بدانیم راه شهید رئیسی چگونه و با چه ویژگی‌های شخصیتی از نامزدها ادامه پیدا خواهد کرد، ابتدا باید شهید رئیسی را به درستی بشناسیم. متأسفانه آن چه که در سطح جامعه و حتی قشر نخبگانی دانشجویی، شاهد هستیم؛ این است که شهید رئیسی را جمعیت زیادی از مردم، نه تنها در حین حیات وی بلکه در حال حاضر هم انطور که باید و شاید نمی‌شناسند و ابعاد شخصیتی ایشان و هم عملکرد ایشان در دولت سیزدهم جمهوری اسلامی ایران متأسفانه مهجور واقع شده است که آن‌شاه‌الله در ادامه به تعدادی از آن‌ها خواهیم پرداخت. حال پس از اینکه ما، یعنی قشر نخبگانی، شهید رئیسی را شناختیم، وظیفه جنبش دانشجویی این است که از تحریف شخصیت ایشان جلوگیری کنیم. کما این که عرض کردم، هم در ایام حیات ایشان و هم الان که ما فکر می‌کنیم دیگر آن فضاها تمام شده این فکر اشتباه است کما اینکه شاهد هستیم با داغ شدن تئور انتخابات و بالا رفتن هیجانات آن تعدادی از نامزدها و منتصبین آنها با تحریف عملکرد حاج آقا با تحریف شخصیت حاج آقا، قصد دارند که مردم را به سمت و سوی گزینه‌های دیگری سوق بدهند.

### ویژگی‌های رئیسی

ویژگی‌های شهید رئیسی و دولت ایشان چه بوده که ما هم باید خودمان آن‌ها را بشناسیم و هم باید به مردم معرفی کنیم تا تحریف صورت نپذیرد. اول: خیلی ساده از برداشت خودمان می‌توانیم بگوییم. دوم: فرمایشات رهبری در مورد ایشان را مدنظر قرار بدیم. رهبر انقلاب نکاتی را چه در حین حیات چه بعد از آن در مورد آقای رئیسی مطرح کردند و برشمردند که در تاریخ معاصر انقلاب و در دهه اخیر کمتر اتفاق افتاده است که در مورد کسی به کار برده باشند؛ اینکه این رئیس جمهور فعال بود، پرکار بود، به مبنای انقلاب اعتماد راسخ داشت. این رئیس جمهور سبک مدیریتش همراه با صمیمیت و کرامت بود و در واقع در راه اعتدالی نظام، جهاد کرد و در همین مسیر جهاد و در واقع پیشرفت کشور به شهادت رسید و خوب قطعاً ویژگی‌های شخصیتی دیگری که ایشان داشتند مثل سعه صدر، مردم داری، روحیه جهادی ایشان، اخلاص و صداقت که واقعاً نیاز به گفتن ما ندارد و تقریباً می‌شود گفت همه مردم بر این موارد صحنه می‌گذرانند و اضافه این ویژگی‌ها در شهید رئیسی وجود داشته است. اما آن چه که مد نظر من است و مهم ترین ویژگی ایشان است که اگر این ویژگی بود بقیه ویژگی‌های مثبت افراد هم معنا پیدا می‌کنند و اگر نبود همه آنها ضایع میشد؛ ویژگی «ولایت پذیری و ولایت مداری» است.

### شهید رئیسی: ذوق در ولایت بود!

هر جا که مقام معظم رهبری مطلبی می‌فرمودند، ایشان ابتدا به سرعت خودشان و در وهله بعدی معاونین و هیئت دولتشان نسبت به آن امر حساس بودند. من خاطرم هست اولین جلسه‌ای که مقام معظم رهبری با هیئت دولت ایشان جلسه داشتند، آقا ناظر به بحث تحول نکاتی را فرمودند. بله؛ شهید رئیسی می‌توانست نسبت به این مسئله بی تفاوت باشد و نهایتاً در یک مصاحبه یا دو مصاحبه اهمیت آن را برنماید و تمام! اما آن چه که شهید رئیسی انجام دادند، تاسیس مرکزی بود که تحول را در دولت پیگیری می‌کرد و اساساً به سرعت تحول دولت منجر شد. این مرکز وظیفه‌اش این بود و هست که تحول را در موضوعات و شاخه‌های مختلف اقتصادی، تعلیم و تربیت، بهداشت، کشاورزی و سایر امور که به وزارتخانه‌های مختلف مربوط می‌شود و در واقع بررسی کند و گزارش دهد.

از طرفی حال اختلاف دیگری بین سران قوا پیش آمد، اختلافاتی که در مسائل و امور جاری کشور پیش می‌آمد، ما شاهد این بودیم که شهید رئیسی فریبی رهبری را فصل الخطاب می‌دانست و آنها را رعایت می‌کرد. فلذا این مهم‌ترین ویژگی بود که شهید رئیسی داشتند که اهمیت پیدا کردند و توسط مردم دیده شدند. کما اینکه ما رئیس جمهورهایی در توسط انقلاب داشتیم و با چشم دیدیم که خیلی‌ها ویژگی‌های مثبتی هم داشتند، اما همین نداشتن این یک مورد موجب شد که در نهایت از مسیر انقلاب یا خارج بشوند و یا انطور که باید و شاید نتوانند وظیفه‌شان را

انجام دهند. اما آن چه که در مورد دولت ایشان وجود داشت و اتفاقاً مردم هم در انتخابات چهاردهم به دنبال همین دولت هستند، این است که شهید رئیسی و دولت ایشان تبلوری از کارزار ایده‌آل نظام اسلامی است. یعنی اگر مردم داری، روحیه اخلاص و صداقت را در داستان‌ها و روایات از حضرت امیر(ع) شنیده بودند و شاید توصیقاتی از شهید رجایی و مقام معظم رهبری در دوران ریاست جمهوری ایشان شنیده بودند، اینها را در رئیس جمهوری آقای رئیسی دیدند. هم صحبتی با کارگراها، هم نشینی و هم سفره شدن با مردم عادی و سرزدن به مردم سیل زده، این همراهی دولت‌شان و هم صحبت شدن دولت‌شان با دانشجویان معترض در اوج اغتشاشات، موفقیت وی در سیاست خارجی، در اقتصاد، در تعلیم و تربیت، در حوزه سلامت و درمان به عملکرد درخشانی که در مهار پاندمی کرونا داشتند و همه از مشایق آن است. همه موارد عملکردهای مثبت دولت هست که بایستی روایت شوند، دولتی که در ابتدای کار خود با رشد اقتصادی منفی دو درصد، شروع کرد و مسئولیت‌ها را برعهده گرفت و بعد از تنها سه سال حتی قبل از اینکه یک دوره کامل توانسته باشد خدمت کند این عدد منفی دو به پنج درصد افزایش یافته است. یعنی مجموعاً این دولت توانسته است هفت درصد رشد اقتصادی در شاخص‌های کلان اقتصادی ما ایجاد کند.

### وظیفه جنبش دانشجویی

مسئله بعدی این است که وقتی ما روایت صحیحی از شهید رئیسی داشتیم چه وظیفه دیگری داریم؟ در شرایطی که در ایام بعد از شهادت ایشان پیش آمده منجر به برگزاری انتخابات نا به هنگام شده است. وظیفه جنبش دانشجویی این است که اثرگذاری و انجام وظیفه خود را به بهترین وجه انجام دهد؛ یعنی برای مردم یادآوری کند که رئیس جمهور شهیدشان چه ویژگی‌هایی داشت و تصویری که در هفته اول بعد از شهادت ایشان، خیلی جدی و مهرانه به دنبال ادامه روند ایشان بودید، طوری نشود که تحت هیجانات، دروغ‌ها و کارهای رسانای تصمیمی بگیرند و فریاد را انتخاب کنند که مسیر ایشان را ادامه ندهند. یعنی فردی رییس جمهور بشود که در ادامه راه رئیسی، واقعا رجایی و جلوهای از حکومت امیرالمومنین باشد. هم شخصیت رییس جمهور هم دولتی که قرار است تشکیل شود و اطرافیان‌ها که دارد و بنامت وارد دولت بشوند. فلذا این مسیر پیش روی جنبش دانشجویی است. اول: باید خود شهید رئیسی را بشناسند. دوم: از تحریف ایشان جلوگیری کنند. سوم: به شکل صحیح روایت شهید رئیسی را انجام بدهند. چهارم: این شاخص‌ها را برتن یک نفر از این شش نفری که الان نامزد هستند بنشانند. یعنی چه بخواهیم چه نخواهیم، یک نفر از این شش نفر بایستی رییس جمهور این کشور بشود. حال کدام یکی از این شش نفر از نظر ما این قابلیت را دارد؟ و کدام یک ندارد؟ شاخص‌هایی که قبل از رئیسی صرفاً ما در ذهن‌هایمان داشتیم و تبلوری از آن ندیده بودیم و بعد از رئیسی اتفاق آن را در قامت یک فرد توانستیم ببینیم و پیدا کنیم باید بررسی شود. باید این شاخص‌ها را با تعقل، با وقت‌گذاری روی یک نفر از این که بیشترین تطابق را دارد، انجام بدهیم.

اما آن چه که نباید قطعاً رقم بخورد... یعنی آن کسی که قطعاً نباید بعد از شهید رئیسی، رییس جمهور شود؛ کسی که نباید بعد از شهید امیر عبداللهمان، وزیر امور خارجه شود؛ آن کسی که نباید بعد از شهید رحمتی، استاندار آذربایجان شرقی شود؛ کسی است که برعکس رئیسی رفتار می‌کند و اطرافیان خاصی دارد. یعنی اینکه شهید رئیسی، فردی کم حاشیه و پرکار بودند؛ پس قطعاً آن کسی که کارنامه ضعیفی دارد و اتفاقاً در حین این کارنامه ضعیف همواره به دنبال حاشیه بوده است، به جای اینکه به برنامه مستقل خود بپردازد، به جای اینکه تعریف خود را از آینده کشور مطرح کند، به جای اینکه مسیری‌های درستی که پیش‌روی کشور وجود دارد را تبیین کند و صرفاً به دنبال حاشیه است. قطعاً می‌توانیم بگوییم این شخص نمی‌تواند ادامه دهنده راه شهید رئیسی باشد و مردم هم آن‌شاه‌الله اجازه نخواهند داد که بارقه امیدگی که شهید رئیسی در نسل سوم و چهارم انقلاب ایجاد کرده است به واسطه انتخابی غلط از بین برود و قطعاً جنبش دانشجویی هم در این مسیر به مردم کمک خواهد کرد و از این مسیری که ایجاد شده، در راه تحقق و رسیدن به دولت اسلامی و جامعه اسلامی و آن‌شاه‌الله و به امید خدا تمدن اسلامی در گام دوم انقلاب حراست و پشتیبانی خواهد کرد.



علی رادمنش دبیر سیاسی اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان مستقل

انتخابات و موضوع مشارکت مردم از اهمیت بالایی برخوردار است و به نحوی می‌توان گفت انتخابات در واقع شب قدر انقلاب اسلامی است که می‌تواند در آینده کوتاه مدت و بلندمدت کشور بسیار تاثیرگذار باشد. چرا که ریل‌گذاری و تصمیم‌سازی‌های دولت می‌تواند باعث جهت‌دهی و حتی تغییر جهت حرکت کشور شود. نمونه‌ای که در دولت قبیل مشاهده شد و تصمیمات دولت باعث عقب‌افتادگی کشور از نظر اقتصادی شد و هنوز که هنوز است خسارت‌های ناشی از اقدامات دولت قبل جبران نشد پس این جهت‌دهی اهمیت بالایی دارد که چه کسی در پاستور بنشیند. جنبش دانشجویی هم باید با تبیین شرایط موجود جایگاه ریاست جمهوری و تأثیری که می‌تواند داشته باشد به روشنگری مردم بپردازد و هم باعث افزایش مشارکت مردم در انتخابات شود هم اهمیت بالایی که چه کسی رئیس جمهور شود چه عملکردی داشته باشد، چه ویژگی‌هایی داشته باشد، چه معیارها و شاخص‌هایی داشته باشد که بتوانیم از وضعیت کنونی خارج شویم و مثلاً در حوزه اقتصاد به حد مطلوب‌تری برسیم. اکثر دولت‌های مختلف ایران هرکدام با گفتمانی ملموس و قابل حس با رای مردم بر سرکار آمدند، هاشمی با شعار و طرح موضوع سازندگی نیاز بعد از خرابی‌های ۸ سال دفاع مقدس آمد، خاتمی به بهانه و بیان ایده‌آزی‌های اجتماعی رای آورد، احمدی‌نژاد با بیان اختلاف طبقات و ادعای عدالتخواهی سرکار آمد و روحانی نیز با بیان و طرح مذاکرات با دنیا وارد پاستور شد. تمامی این‌ها با بیان ایده‌های خود به صورتی که برای مردم قابل‌درک و احساس آن وجود داشته باشد در بازه تبلیغات ریاست جمهوری خود را عرضه کردند؛ یکی از دلایلی که شاید بتوان گفت اقدامات بزرگ و رو به جلو دولت شهید رئیسی برای مردم قابل لمس نبود و به چشم ملت نمی‌آمد نبود همین گفتمان بود. گفتمان دولت‌ها، کلان ایده آنان برای حکمرانی و نظام بندی مسائل دولتی می‌باشد که سایر اقدامات تا جوجه آن، باید نظم گیرد و حرکت نماید. گفتمان می‌تواند زبان رسانه قرار گیرد و اقدامات با این زبان به مردم بیان شود و مردم متوجه آن باشند. عدم وجود گفتمان باعث عدم همراهی مردم با دولت می‌شود. چرا که فی‌الذات اندیشه‌ها و ایده‌ها برای مردم از اهمیت بالایی نسبت به فکر گرایشی وجود دارد و تا زمانی که فهم درستی از گفتمان و کلان ایده دولت‌ها پیدا نکنند قادر به همراهی دولت و حضور در عرصه سیاسی کشور نیستند و روز به روز نقش آفرینی مردم در امور مرتبط با حکامیت کاسته می‌شود و باعث افزایش شکاف‌های اجتماعی بین مردم و دولت‌ها می‌شود. عدم مشارکت حداکثری بالای ۵۰ درصد در دو انتخابات گذشته صرفاً به خاطر وضعیت اقتصادی ناامان کشور و نارضایتی‌های موجود نیست. مشارکت پایین به علت عدم مقبولیت نظام در بین مردم نیست؛ یکی از مهم‌ترین دلایلی که وجود دارد عدم توانایی بازیگران سیاسی کشور در همراه کردن مردم می‌باشد و مهم ترین دلیل هم نبود. گفتمان لازم جهت همراهی مردم با بازیگران سیاسی کشور می‌باشد. در انتخابات پیش رو نیز در این مدت باقی مانده تا روز رای‌گیری نامزدهای انتخاباتی فرصت همراه کردن مردم را با بیان کلان ایده و گفتمان خود را دارند در غیر این صورت شاهد همان مشارکت حدود ۵۰ درصدی هستیم. در شرایط فعلی نامزدهای انتخاباتی فرصتی که برای بیان گفتمان خود را دارند و بتوانند تفاوت دیدگاه‌های خود را با سایر نامزدهای انتخاباتی مقابل دیدگان مردم به نمایش بگذارند، داخل مناظرات می‌باشند. مسئله حائز اهمیت در ایجاد و گسترش یک گفتمان تعدد محتوایی تولید شده در این رابطه می‌باشد که این محتوای تولید شده می‌تواند هم در فضای حقیقی باشد و هم در فضای مجازی باشد که محیط دانشگاه در بیان زمینه می‌تواند نقش به‌سزایی داشته باشد چرا که یکی از رسالت‌های فضای تشکل‌های دانشجویی ایجاد و گسترش یک گفتمان می‌باشد. گفتمانی که با فریب دادن تشکل‌های دانشجویی سبب فراگیری در محیط جامعه را دارد. منتها در شرایط کنونی که هنوز گفتمانی به وجود نیامده وظایف تشکل‌های دانشجویی دو چندان می‌شود چرا که باید در ابتدای امر مطالبه عمومی مردم در جهت خواست گفتمان از نامزدهای انتخاباتی را آغاز نمایند. مناظرات نمایندگان نامزدهای انتخاباتی با برگزاری مناظرات دانشجویی در فضای نیمه تعطیل دانشگاه و یا حتی بازنشر یک سری از مطالب که نقاط تفاوت‌های کلیدی ریاست جمهوری است می‌تواند باعث شناخت بهتر ایده‌های حکمرانی آنان شود و در ادامه آن زمینه‌سازی جهت بیان ایده و گفتمان نامزدها برای حل مسائل کلان کشور را به وجود می‌آورد.



عمادالدین صفائی دبیر واحد مطالعات راهبردی اتحادیه جامعه اسلامی دانشجویان

بعد از انقلاب اسلامی و با شکل‌گیری نظام مقدس جمهوری اسلامی، انتخابات به عنوان یک امر سیاسی و اجتماعی و حتی هویتی اثرگذار برای مردم ایران در برهه‌های مختلفی از تاریخ مطرح بوده است. مطالعات هویتی کنش‌های سیاسی مردم ایران نشان می‌دهد که در ادوار مختلف انتخابات، مردم هویت دار، با به خطر افتادن عرصه هویت ملی، همواره سعی داشتند کنش سیاسی خود را معطوف به حفظ هویت ملی و مقابله با جریان‌های فرهنگی و سیاسی نمایند که سیاست‌گذاری آنها انحطاط آمیز بوده است و حتی در کنشگری‌های مصادیقی معمولاً افراد و گفتمان‌هایی مورد پذیرش و اقبال مردم قرار می‌گیرد که قرابت بیشتری با حفظ هویت ملی داشته باشد و این موضوع یکی از مهم ترین پیوست‌های تقویت شده پس از وقوع انقلاب اسلامی است که علاوه بر غلبه فلسفه سیاسی اسلام، شان حکمرانی را مردم محور و هویت دار نموده است. انتخابات به عنوان مهم‌ترین و پرنفوذترین عرصه کنشگری سیاسی و حضور مردم در عرصه عمومی برای تعیین سرنوشت خود در حکومت‌های مردم سالار شناخته می‌شود و به عبارت دیگر، انتخاب نامزدهای انتخاباتی، هم رتبه با تعیین آینده حکومت قرار دارد و حتی عالی‌ترین حد تصمیم‌گیری عمومی یعنی همه‌پرسی نیز در نظام جمهوری اسلامی و در قانون اساسی کشور پیش بینی شده است و ما در غایت اندیشه حکمرانی اسلامی به دنبال ظهور و بروز قدرت مردمی و عمومی شدن ساحت‌های مختلف قدرت دولتی هستیم. در چند سال اخیر و با شدت گرفتن مجموعه طراحی و عملیات روانی خبیثانه دنیای استکبار و علاوه بر آن، تحریم‌های اقتصادی و سخت شدن معیشت اقشار مختلف مردم، نوک پیکان عدم کارآمدی نظام بوده است که منجر به کاهش مشارکت مردم در انتخابات شده است. اصلی‌ترین راهبردها دشمنی و معاندین از بهمان رسانه‌های ماهیت انتخاباتی، واهمه دیرین آنها از گفتمان مردم سالاری دینی است. همان مدلی از حکمرانی که در نفی کامل گفتمان حکمرانی غربی و زمینه‌ساز تمدن نوین اسلامی و رشد دهنده تمامی بسترهای تئوری‌های حقوقی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی برای دستیابی به مدیریت مطلوب است.

پس از فروپاشی حکومت‌های سلطنتی در ایران که قدرت به شکل اقتدارگرا در اختیار حکومت قرار داشت، با طی شدن سیری تاریخی، ما به اندیشه تهدید قدرت حکومت و انتقال آن به مردم رسیدیم و معمار حکیم انقلاب اسلامی با مطرح نمودن جمهوری اسلامی و به تعبیر مقام معظم رهبری با همراه کردن این دو کلمه «جمهوری» و «اسلام» مردم سالاری دینی را در ایران پایه گذاری نمودند که نشان از جامعیت و فهم عمیق ایشان از مسائل اسلام سیاسی داشت و استوار کننده نظام و موجب ماندگاری انقلاب اسلامی شد.

در جهان‌بینی امام خمینی(ره) مشارکت در انتخابات و ایجاد فضای رقابت بین کاندیداها و انتخاب کردن مردم دو وجه مهم دارد: ۱- بنیان‌گذار جمهوری اسلامی حفظ نظام سیاسی برخاسته از معارف عمیق اسلام سیاسی و اراده عمومی مردم را واجب و اجابت شرعی می‌دانند و از دیدگاه ایشان حضور در انتخابات به عنوان یک وظیفه دینی و ملی برای همه احاد جامعه ضرورت دارد و حضور در انتخابات و به خصوص در انتخابات ریاست جمهوری، عالی کسانیه که مردم را به عدم حضور در انتخابات دعوت می‌کنند اقدامی خلاف مصالح اسلامی انجام داده و عمال شیطان بزرگ هستند( برگرفته از جلد ۱۵ صحیفه امام)

۲- حرکت و رشد اجتماعی بدون مشارکت مردم امکان پذیر نمی‌باشد و به میزانی که افراد جامعه نسبت به تعیین سرنوشت سیاسی کشور حساسیت داشته باشند و در آن مشارکت نمایند تقویت کننده پیشرفت، رفاه و آبادانی کشور خواهد بود و مانع از تضعیف و کنندگی در مدیریت کشور خواهند شد. چرا که مردم با حضور در انتخابات و به خصوص در انتخابات ریاست جمهوری، عالی ترین مقام اجرایی کشور را انتخاب کرده که خط مشی‌گذاری ساختار اجرایی و اداری تمام دستگاه‌های دولتی خواهد بود. در پایان ذکر این نکته خالی از لطف نیست که همانطور که همه افراد جامعه دارای حقوقی هستند و اثبات هر حقی در جامعه برای افراد ایجاد تکلیف نیز خواهد کرد و مشارکت در انتخابات برای حفظ هویت ملی و نظام اسلامی علاوه بر حق، در عین یک تکلیف و وظیفه نیز قلمداد می‌شود.



محمدعلی رحیمی نژاد

فعال سابق دانشجویی



اهمیت مشارکت و رقابت در انتخابات و رسالت جنبش دانشجویی در این رابطه، دو وجه دارد، یکی اهمیت انتخاباتی که من به عنوان یک پژوهشگر می‌گویم که هیچ اهمیتی برای کشورهای غربی ندارد که فردی کار می‌کند که بیشتر بتوانند جامعه ایرانی، مردم ایران و نظام سیاسی کشورمان را تضعیف کنند. اهمیت آن برای همه ما مبرهن است. اگر بخواهم یک استناد داشته باشم به همین اندیشکده‌های خارج از کشور، شورای روابط خارجی آمریکا، یا بنیاد دفاع از دموکراسی، به طور مستمر این را اعلام کرده‌اند که نظام سیاسی در ایران تغییر نخواهد کرد و ما صرفاً باید از طریق بسیج مردم، در راستای اهداف خودمان قدم برداریم. انتخابات یک اعتبار اجتماعی است و هرچه این مشارکت بالاتر برود، به تبع، آن دولت قدرتمندتر خواهد بود، با جرات بیشتری کارها را پیش می‌برد، خدمت بیشتری می‌تواند انجام دهد تا اینکه یک مشارکت حداقلی داشته باشیم؛ این وجه اول آن است؛ وجه دوم، پیرامون اهمیتی که جنبش دانشجویی و دانشگاهیان دارند در این زمینه است، به تبع همه ما وظیفه داریم که تا جایی که از دستمان برمی‌آید، افراد را دعوت کنیم که بیایند در انتخابات رای دهند.

تفاوت‌ها باید ما را ترغیب کند این افرادی که الان به عنوان شش گزینه نهایی مطرح شده‌اند، هیچ کدام افرادی نیستند که بگوییم از خارج از کشور آمده‌اند و ...؛ در همین کشور رشد کرده‌اند، بزرگ شده‌اند و در همین جا توانستند مدارج را طی کنند و یقین بدانید که با مطالعه‌ی دیدگاه‌های تک تک این عزیزان، می‌توانید به تفکری که فکر می‌کنید به نفع کشور است، رای دهید. من بعید می‌دانم تفکری در این انتخابات سانسور، تقشیر و مراقبت شده باشد؛ مگر اینکه بخواهیم سلیقه‌ای پیدا کرده‌اند و الان وظیفه ما این است که جامعه را آشنای کنیم که بیایند و رای بدهند. اگر افرادی در جامعه هستند و فکر می‌کنند با تحریم انتخابات و نیامدن آن‌ها، اتفاق خاصی می‌افتد، خیر، هیچ اتفاقی نخواهد افتاد؛ ولی با حضورتان، می‌توانید کسی را انتخاب کنید که بر خلاف خواست یک سری افراد ذی‌نفع، که نفعشان در رای آوردن فلان کاندیدای خاص است، از این طریق می‌توانید تاثیر بگذارید، از این طریق می‌توانید مسیر انتخابات را تغییر دهید.

بنابراین این تفاوت‌ها باید ما را ترغیب کند که یک فرد صالح، پاکدست، فردی که نزدیک‌تر است به ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب، او را انتخاب کنیم که رای بیاورد. اما در رابطه با رفتار نامزدهای انتخاباتی لازم می‌بینم که بگوییم: عمدتاً بد اخلاقی‌هایی که در عرصه انتخابات ما رخ داده است، ناشی از دو قطبی‌هایی است که برای جامعه ما معنادار است؛ یعنی یک طرف جوانی است که می‌گوید: فردا روز اگر فلانی رای بیاورد به حجاب من ایراد نمی‌گیرد؟ آن یکی می‌گوید: فردی باید بیاید که ارزش‌های اسلامی را در جامعه پیاده کند. ولی از منظر سیاستمدار غربی، هیچ کدام از این‌ها اهمیتی ندارد؛ یعنی دانشجوی ما، فردی است که دارد بازی می‌خورد. دانشجوی باید مد نظرش باشد: اول این که اولویت‌های اصلی کشور چیست؟ خوب باید برویم به سراغ فردی که کارآمدی داشته باشد. بعد، در بحث اخلاق انتخاباتی که یک مقوله‌ی خیلی وسیع است. اول که در قانون هم ما داریم که انتقاد آزاد است و کاندیداها از همدیگر انتقاد

می‌کنند. بی‌اخلاقی‌ها مرتبط با یک سری از مواردی است که حقیقت عینی وجود ندارد؛ یعنی همه با یک سرچ ساده متوجه می‌شوند که دروغ است. این‌ها بد اخلاقی است و باعث می‌شود که متأسفانه، دروغ، تزویر، نفاق و همه‌ی ارزش‌هایی که در واقع برای جامعه اسلامی درست نیست. بنابراین، ابتدا لازم است کاندیداها سعی صدرشان بالا باشد، انتقادات را پاسخ دهند و در وهله‌ی بعدی، از زدن افترا و مواردی که صحت ندارد و درست نیست دوری کنند، و مهم‌ترین بحث در این مقوله این است که به جهاد تبیین، واقف باشند. مثلاً با ارائه با یک اخلاق اسلامی خوب، می‌توانند بحث جهاد تبیین را در جامعه ترویج کنند، و بخواهد کمک ببریم، آن الگو شهید رئیسی است.

واقعیت این است که ما اسیر رسانه‌هایی شدیم که در حال ساخت ذهن و فکر و آینده‌مان هستند. قیل از اینکه حاج آقای رئیسی رای بیاورند، از سال ۹۶، یک جامعه‌ی عظیمی از موارد غیر واقع علیه ایشان در رسانه‌های بیگانه و رسانه‌های داخلی به وجود آمد؛ خوب حقیقتی که ایشان در این سه سال رو کردند، کارآمدی بود؛ مهم‌ترین مولفه‌ای که رئیس جمهور فقید ما داشتند، بحث کارآمدی بود، بحث تلاش برای حل مشکلات بود.

خیلی فرق هست بین کسی که اینجا می‌نشیند پشت میز و می‌گوید که تحریم‌های آمریکا نمی‌گذارد کار کنیم و کسی که می‌رود در دل کار، می‌رود آن روستا، می‌رود آن شهر، می‌رود آن نقطه‌ی مرزی و تلاش می‌کند که مشکلات حل شود. این‌ها تفاوت‌های اصلی است و ما باید مراقب باشیم، مراقبت کنیم، صیانت کنیم که این کارآمدی، در مناظرات و در بحث انتخابان، جای خود را به یک سری اولویت‌های دست‌چندم، با یک سری وعده‌های دروغ و پوچ ندهد.

واقعیت امر این است که ما از نیت هیچ کدام از کاندیداها آگاهی نداریم، ولی شواهدی که وجود دارد به ما این را می‌گوید که هرچه از انقلاب فاصله گرفته‌ایم، سمت و سو برای کسب قدرت بیشتر بوده است تا خدمت و مصادیق مختلفی این را تایید می‌کنند؛ یعنی رئیس جمهوری که اول انقلاب داشتیم، آقای رجایی را، حالا بیا بید مقایسه کنیم با کاندیداهایی که خود ما الان داریم. یک سری ارزش‌ها، کامل عوض شده است. خیلی از شماهایی که من می‌شناسم و می‌شناسید؛ شعارهایی داشتند، آرمان‌هایی داشتند، اما به محض اینکه سمت را گرفتند، خداحافظ؛ بنابراین دعوی قدرت است. مثال: چقدر فساد در دولت قیل بود، برادر خود رئیس جمهور، معاون اولش، خوب این‌ها از کجا آمد، مشخص است که سمت قدرت است.

فرب و وعده و وعیدها و یک سری احکامی که می‌زنند و این چیزها را نخورید، آن کسی که بیاید و بخواهد که خدمت کند، یقین بدانید ثمره‌ای که به شما می‌رسد، خیلی بیشتر از آن چیزی است که الان شما از قیل یک حکم از یک کاندیدای خاص می‌خواهید بگیرید؛ یا ...

مکمل بحث قبل، بحث وحدت با ادامه با چند نامزد انتخاباتی (که چند نفر خود را انقلابی بدانند) است؛ یعنی اگر بخواهم نظر شخصی خود را بگویم؛ مسلماً جریان انقلاب باید به یک اجماعی برسد و فرد اصلاح‌تر را حمایت کنند؛ واقعا اگر برای خدمت آمده‌اند؛ ولی اگر غیر از این اتفاق رخ بدهد، به هر دلیلی که بوده است، این افراد هم برای قدرت آمده‌اند.

افراد و کاندیداها باید بمانند تا قبل از مناظرات آخری که تعیین کننده است که هر کدام اقبالشان به چه شکلی است و چنانچه برآورد بر این بود که کاندیدای رقیب و جریان غرب دارد به قدرت می‌رسد، همه‌ی جریان انقلاب باید یکی شوند تا ما منتهم به این نشویم که هشت سال ناکارآمد دیگر را در پیش داشته باشیم.

واقعا ضرباتی که کشور در طی هشت سال دولت آقای روحانی خورد، بی‌سابقه است و امیدوار هستیم که این اتفاق تکرار نشود.



حدیث مرتضوی فر

دبیر واحد خواهران اتحادیه جامعه اسلامی دانشجویان

«ای مالک! کارگزاران دولتی را از میان مردمی با تجربه و با حیا، از خاندان‌های پاکیزه و باتقوا که در مسلمانان سابقه درخشانی دارند، انتخاب کن؛ زیرا اخلاق آنان گرم‌تر، آبروشان محفوظ‌تر، طمع‌ورزی‌شان کمتر و آینده‌نگری‌شان بیشتر است.» مالک اشتر، استاندار امام‌علی(ع) در دوران حکومت کوتاه مدت ایشان بود. وقتی به استانداری منصوب شد، حضرت امیر نامه‌ای بسطی من‌باب شیوه صحیح حکومت‌داری، برخورد‌های اجتماعی و راهبردهای اداره حکومت برایشان می‌فرستند. این نامه، جمله‌ای از مدل حکومت‌داری تراز اسلام را در خود جای داده که به عنوان یک الگوی بی‌نظیر و جاودان در امور اداره کلان استان، کشور و ... به شمار می‌آید. پس از به ثمر رسیدن انقلاب باشکوه اسلامی در کشور عزیزمان، امور فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی به ویژه شیوه حکومت‌داری نیازمند توجه و دقت به یک الگوی حکومتی ناب اسلامی بود. در تاریخ اسلام، برقراری نظام و حکومت اسلامی در زمان پیامبر اکرم(ص) و دوران امامت امام‌علی(ع) به عنوان الگوهایی برای اداره حکومت مورد عنایت ویژه قرار گرفت و تلاش بر این شد که یک دولت اسلامی با الگوگیری از این دو دوره بر مبنای قرآن و سنت برقرار گردد. در واقع رهبر کبیر این انقلاب و مردم، تنها راه سعادت و نجات کشور را پیروی و اتکا به مبانی اصیل اسلام در ابعاد مختلف می‌دانستند.

دولت‌های مختلف ایران پس از انقلاب

اما علی‌رغم وجود الگویی مشخص، از سال ۱۳۵۸ و پس از اولین انتخابات ریاست جمهوری به بعد، وطن ما شاهد ادوار مختلفی از کارگزاران دولتی و شیوه‌های مختلف حکمرانی بوده است. تلخ و شیرینی‌های گوناگونی در دولت‌های مختلف از سر گذرانده و الحمدلله به عنایت حضرت حجت(عج) و رهبری حکیمانه مقام معظم رهبری همچنان قوی در حال حرکت رو به جلوست. در این میان برخی از این دولت‌های وقت که پایبند به اصول اسلام و پیرو خط امام و رهبری بودند و کشور را بر اساس الگوی حکمرانی تراز اسلامی که سابقاً مطرح شد، اداره می‌کردند؛ موجب ایجاد تحول مثبت و سترگی در ایران شدند و متقابلاً آنهایی که عمل خلاف آن داشتند، ضرباتی ثقیل به ملت و ساختار سرزمین‌مان وارد کردند.

شهادت نتیجه خدمت مخلصانه

در این بین، اولین رئیس جمهور شهید ما که اداره حکومت در دستان پاک او بود؛ شهید رجایی است که می‌فرمود: در جهنم، خدا یک جایی دارد که فشار عذابش مساوی است با گناه سی‌وشش میلیون انسان! آنجا جای من است که حرکت، سخن و برخورد روزی زندگی سی‌وشش میلیون انسان اثر می‌گذارد.

این دولت یکی از دولت‌هایی بود که دیدگاه آن بر مبنای اسلام و الگوی حکومتی امام‌علی(ع) شکل گرفته بود. اما بعد از دولت شهید رجایی، دومین دولتی که رئیس جمهورش شربت شیرین شهادت نوشید، دولت شهید خدمت، شهید رئیسی بود. دولتی که سه سال، آن را تجربه کردیم، زندگی کردیم، اقدامات ایشان را دیدیم، تاثیر رفتار و نگرش ایشان در زندگی‌مان را مشاهده کردیم و در نهایت با تسلیح میلیونی، سعی کردیم حداقل‌ترین قدردانی را از ایشان داشته باشیم.

حال در وهله نخست باید بررسی کنیم که شهید رئیسی در اداره حکومت چه ویژگی‌هایی داشتند تا آنها را بانامزدهای فعلی مطابقت داده و به نتیجه مطلوب و انتخاب اصلاح برسیم. دولت شهید رئیسی از جهت اصول فکری و زیر بنایی، دولتی بود که تمام تلاشش را برای پیاده سازی مبانی اسلام و ولایت انجام می‌داد. با گفتمان انقلاب اسلامی بیگانه نبود و الگوی حکومتی امام‌علی(ع) را سرلوحه خود قرار داده بود. این موارد باعث شد تا رئیس جمهور شهید ما و کارگزاران دولت ایشان اهدافی خالصانه داشته باشند و برای امورمختلف در وزارتخانه‌های مختلف، معیار اسلام را در سیاست خارجه، در امور اقتصادی، در مواجهه با مردم و در ویژگی‌های شخصیتی و مواردی از این دست در نظر بگیرند.

اعتماد به اصلی‌ترین رکن جامعه، یعنی مردم، مردم داری، صداقت، خستگی‌ناپذیری، سیاست خارجی مستقل و بالنده، اعتقاد به توانمندی‌های داخلی کشور، امیدوار بودن، ساده‌زیستی، اخلاص، ایمان راسخ، شجاعت، عدالت محوری، ولایت‌مداری، جدیت در کار و تصمیم‌گیری، مدیریت کارآمد و قوی و تقوا و ویژگی‌های شاخص آیت‌الله رئیسی بودند که امیدواریم در رئیس جمهور منتخب بعد نیز این ویژگی‌ها متبلور و ادامه‌دار باشند. حال به شرح مختصر تعدادی از آنها می‌پردازیم.

مردم‌داری

مردم در نظام جمهوری اسلامی ایران و در نگاه توحیدی، مهم‌ترین، اصلی‌ترین، ارزشمندترین و معززترین رکن جامعه‌اند. شهید رئیسی مردم را به عنوان اعتماد داشت. به جوانان اعتماد داشت و از همین مردم برای اداره کشور کمک گرفت و استفاده می‌کرد. «رئیس جمهور مردمی» نیز ترکیب واژگانی است که بعد از شهادت ایشان در بین مردم دهان به دهان پیچید. مردم‌دار بودن و مردمی بودن، یعنی در کنار مردم و با مردم زندگی کردن، حرف آنها را شنیدن و اهمیت دادن، مرهم زخم‌های آنان بودن، درک مردم و نگاه به آنها به عنوان سرمایه عظیم ملی است. اینها در ویژگی شخصیتی حاج آقا تاللو به سزایی داشت.

شاید کمتر دولتی در سراسر جهان به گفتگوی با مردم و ایجاد مخاطب صادقانه با آنها بپردازد. شهید عزیز ما، در صحبت‌های مداوم خود در رسانه‌های ملی، رفتن به روستاها و مناطق مختلف کشور، پیام‌رسان صدق در گفتار و رفتار با مردم بود. همین تبیین مسائل و گفت‌وگو با مردم هم بود که قلب‌ها را جذب ایشان می‌کرد.

شهید رئیسی در راه خدمت به مردم شب و روز نمی‌شناخت. ایشان در راه اهداف تعالی نظام مقدس جمهوری اسلامی، مجاهدانه، مجذانه و با تلاش فراوان، بدون خستگی، امور را پیش می‌بردند.

ولایت‌مداری

تعریف می‌شد که هر زمان حضرت آقا سخنرانی داشتند ما در جلسه هیئت دولت می‌نشستیم و ایشان مطرح می‌کردند که باید ماموریت‌ها را از دل این سخنان آقا درآورد و به آنها پرداخت و در اولویت قرار داد. رمز این موفقیت‌های شهید رئیسی را نیز می‌توان در تبعیت از ولایت دانست.

بعد از هشت سالی که به پرداختن به امور برجام و مذاکره با غرب گذشت، ایجاد تحول راهبردی مستقل و آزاد در سیاست خارجه کشور که ایران را در رابط خارجه، کشوری با استقلال، آزاده، بدون وابستگی، توانمند، دارای چارچوب خود و قوی نشان داد، از کارهای بزرگ انجام شده توسط ایشان بود.

استفاده از فرصت‌ها و ظرفیت‌های داخل کشور، توجه به ظرفیت و کارآمدی جوانان، استعمال راهبردهای متخصصان داخلی، توجه به لزوم رفع مشکلات و مسائل با تکیه بر توانمندی‌های داخل، خنثی کردن اثر تحریم‌ها با این دیدگاه، من جمله مواردی‌اند که شهید عزیز ما بسیار بر آنها تاکید داشت.

ساده‌زیستی

جمله «من طعم فقر را چشیده‌ام و در آن بزرگ شده‌ام» هیچ‌گاه از اذهان ما پاک نمی‌شود. رئیسی عزیز در دل سختی‌ها بزرگ شده و ساده‌زیستی به تبع مولایمان، حضرت امیر جزء حسنات ایشان بود. تا جایی که مردم بعد از شهادت ایشان و دیدن منزل مادر این بزرگوار که در خانه‌ای کوچک زندگی می‌کردند، داغ از دست دادن ایشان برایشان تازه‌تر می‌شد.

البته این موارد مذکور چه در قالب توضیح و چه به صورت موردی تنها بخشی از مصادیقی‌اند که از برکت‌های ریاست‌جمهوری شهید رئیسی توفیق شد، به عرض رسانده شود. حال در نبود گوهر ارزشمند حضور آقای رئیسی در بین ما - البته که نگاه ایشان و عنایت ایشان قطعاً پس از شهادت هم پابرجاست - و در آستانه انتخابات ریاست جمهوری قرار داریم، از مهم‌ترین موضوعات این است که بشناسیم کدام نامزد بیشترین تطابق را با ویژگی‌های بیان شده دارد. قطعاً هر چه ویژگی‌هایشان به این موارد نزدیک‌تر باشد، اطمینان از تداوم راه شهید رئیسی بیشتر خواهد بود. کما اینکه اعتقاد به آرمان‌های انقلاب اسلامی و تلاش شبانه‌روزی در جهت تحقق این آرمان‌ها از معیارهای مهمی است که شهید رئیسی کارآمدی آن را به رخ جهانیان کشید و از معیارهای مهم انتخاب اصلاح به شمار می‌رود.

اهمیت سومین مرحله از پنج گام تمدن نوین اسلامی بسیار بالااست. برای تحقق تمدن نوین اسلامی باید این مرحله را به خوبی ساخت و برای ساخت دولت اسلامی و گذر از آن نیازمند رئیس جمهوری با کفایت و کارگزارانی هستیم که دارای معیارهای مذکور باشند.

شبیبه به رئیسی

اما اینکه کدام نامزد با این ویژگی‌های شخصیتی تطابق بیشتری دارد و از کجا می‌توان فهمید را خیلی کوتاه مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱. مراجعه به سابقه و مطالعه رزومه اشخاص و بررسی دیدگاه‌های نامزدها
۲. تحقیق عمیق و جدی
۳. مشورت با اساتید و کارشناسان مختلف
۴. توجه به مناظرات و روند گفت‌وگویی نامزدها
۵. مشاهده میزگردهای اقتصادی، فرهنگی و...
۶. مطالعه برنامه و شعارهای هر نامزد
۷. مراجعه به تاریخ و بررسی کارآمدی گفتمان انقلابی یا غرب‌گرا
۸. پس از تحقیقات مذکور، تطابق ویژگی‌ها و معیارهای اصلاح با اشخاص

اینها چند مورد از عواملی‌اند که در راه شناخت فرد اصلاح یاری‌کننده‌اند. ان شاءالله به وسیله این راهکارها می‌توان به شناخت نامزد اصلاح دست یافت که ادامه‌ی راه شهید خدمت، آیت الله رئیسی و عزت ایران و ایرانی در گرو انتخاب ما ناظر به این موضوع است.

بهد اعتقاد خوب و درست، فقط در طول چهار سال گامی در طول ده‌سال گذراندیم برای کشورمان می‌ماند یادگزاریم و معیارها را شناخت من ان‌شاءالله در آینده‌ها می‌عرض خواهیم کرد اما اصلاح‌های اصلی این است که گمانی بر کار برآید که معنشان بر این باشد:

**حفظ عزت و حرکت کشور در جهت هدفهای انقلاب**

**تهدیب اخلاقی**  
نپرداختن به‌حاشیه‌ها

**توان اجرایی**  
همت جهادی

**حکمت و تدبیر**

**قانون‌مداری**  
معاشرت با مردم

**مقاومت در برابر دشمن**

**دانشتن‌درد مردم**

**امروز اقتصاد مسئله اصلی است**



چرا چهار نامزد نیروهای انقلاب باید به وحدت برسند؟

# لزوم اجماع جبهه انقلاب!

کشور را دچار دو قطبی، شکاف‌های سیاسی اجتماعی کند و در نهایت پاسخگو هم نباشد در آخر اظهار کنند که فلاتی نگذاشت یا اختیارات دولت کم بود و.. ما باید در مقابل این اجماع همه جانبه که از بی بی سی گرفته تا اینترنشنال هم به نحوی حمایت می‌کنند باید برای حمایت از دستاوردها و صیانت از کشورمان یک اجماع عاقلانه داشته باشیم.

مبحث دیگر یا مبحث تکنیکالی ما اینکه کاندیدای جریان انقلاب به خصوص دو نفر اصلی یعنی محمدباقر قالیباف و سعید جلیلی که یک درصدی از آرا را به خود اختصاص دادند و طبق نظرسنجی‌ها نیز بین این دو نفر اختلاف چندانی وجود ندارد. از طرفی اختلاف آرا در نظرسنجی‌ها نیز با کاندیدای جریان غرب‌گرا نیز اختلاف چندانی نیست. این یعنی هیچ کدام از این اشخاص در گام اول نمیتوانند برنده انتخابات شوند. از طرفی دو کاندیدای جریان انقلاب هر کدام از آقایان برای اینکه بخواهد برنده انتخابات شود باید بیش از دو برابر سبد رای فعلی خود را جذب کند که این سخت و دور از انتظار است. لذا این انتخابات با این شکل با این شیوه با این مناظرات با این چارچوب و با این ترکیب قطعا انتخابات به دور دوم خواهد کشید. در انتخابات دور دوم نیز اینکه بین قالیباف و جلیلی باشد که احتمال خیلی کمی دارد.

اگر طبق برخی نظرسنجی‌ها آرای جلیلی را ۲۶ درصد، آرای قالیباف را ۲۴ درصد و آرای پزشکیان را نیز ۲۰ درصد در نظر بگیریم. ۲۰ درصد نیز افراد مردم در داریم که این ۲۰ درصد مردم احتمالا بین ۳ کاندیدا تقسیم خواهند شد که احتمال زیاد بین سید رای پزشکیان و قالیباف بیشتر تقسیم خواهند شد.

از طرفی بیشتر آرای جلیلی نیز ایدئولوژیک و ثابت است اما آرای مردمین که آرای ایدئولوژیک نیست و بیشتر قشر خنثی و خاکستری است احتمالا بین این ۳ نفر با تمرکز بیشتر بین قالیباف و جلیلی تقسیم خواهد شد. با این وضعیت نیز باز هم هیچ‌کدام به ۵۰ درصد نمی‌رسند و احتمال این وجود دارد که پزشکیان با یکی از نامزدهای جبهه انقلاب به دور دوم بکشد. اگر به سایه انتخابات سال‌های گذشته نیز در کشورمان توجه کنیم سال ۷۶، سال ۸۴ و سال ۹۲ دقیقا آنچه که بقیه فکر می‌کردند اتفاق نیفتاد و هر وقت هم به دور دوم رفتیم یعنی کسی برنده انتخابات شد که کسی روی آن حساب ویژه‌ای باز نکرده بود. از طرفی خاتمی، احمدی‌نژاد و روحانی نیز در حالی خود را در قامت ریاست جمهوری دیدند که در ابتدا کسی رو آن‌ها حساب ویژه‌ای باز نکرده بود. از طرفی هر وقت هم به دور دوم کشید آن کسی که نماینده تغییر بود رای آورد.

در انتخابات ۸۴ با وجود حضور معین به عنوان نماینده خاتمی و جریان اصلاحات و با وجود هاشمی رفسنجانی و همه چهره‌های دیگر محمود احمدی‌نژاد که به دور دوم کشید چون چهره جدید و پدیده انتخابات بود رای می‌آورد لذا تجربه نشان داده است کسی در دور دوم رای می‌آورد که نیروی تغییر یا پدیده انتخابات باشد. که در این انتخابات می‌توان گفت پزشکیان چنین نگاهی دارد یعنی چهار نامزد دیگر نگاهشان ادامه مسیر شهید رئیسی است اما پزشکیان به دنبال تغییر است.

البته باید در نظر داشت که موضوع اجماع در اختلاف خلاصه نمی‌شود و اینکه رای چه کسی در سید رای چه کسی می‌ریزد هم باید توسط مردم مشخص شود. یعنی توسط احزاب از بالا و دستوری نباشد بلکه در روزهای پایانی با وجود نظرسنجی‌های معتبر مشخص شود که خواست و اراده مردم بر کدام نامزد است و از پایین به بالا این مردم باشند که مشخص کنند سید رای کدام نامزد بیشتر و سنگین‌تر است و باید اجماع بر آن نامزد شکل بگیرد. ما نیز معتقد به اجماع بر محور مردم هستیم به نحوی که افکارسنجی‌های واقعی و معتبر که از دل مردم و جامعه به دست می‌آید شرایط اجماع را مشخص کند.



حمزه دستیار

دبیر پویش اجماع نیروهای انقلاب

در روزهای اخیر با وجود برخی افکارسنجی‌های معتبر مسیرهای مختلفی برای نتایج انتخابات ریاست جمهوری با محوریت سه کاندیدای اصلی مشخص شده است که به نظر می‌رسد احتمال کشیدن انتخابات به دور دوم با وجود باقی‌ماندن ۳ کاندیدای اصلی تا پایان کارزار انتخاباتی محتمل‌ترین نتیجه باشد. لذا جبهه انقلاب بیش از هر زمانی خود را نیازمند اجماع برای پیروزی بر رقیب سنتی خود یعنی جریان غرب‌گرا می‌بیند. از این رو در ادامه لزوم و چگونگی اجماع نامزدهای انقلابی را با محوریت دو کاندیدای اصلی بررسی می‌کنیم.

شرایط انتخابات، خطر ارتجاع به دوران خسارت‌بار جریان غرب‌گرا و دهه خسارت‌بار ۹۰، پای کار آمدن همه احزاب، جریان‌ات و چهره‌های غرب‌گرا در حمایت از کاندیدای مدنظرشان، شکست رای جریان انقلاب به واسطه تعدد چهره‌ها، لزوم رای آوری بالای رئیس جمهور منتخب، شیرینی وحدت و یکدلی جریان انقلاب و همچنین خارخه تلخ انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۹۲ همه و همه بخشی از دلایل لزوم وحدت جبهه انقلاب در انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۳ است. لذا این پویش بزرگ مردمی جهت چند امر مهم در ایام باقی مانده به ۸ تیرماه (روز انتخاب) ایجاد شده است:

۱. اجماع توان و ظرفیت نیروهای انقلابی برای پیروزی قاطع و حداکثری در انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۳
۲. جلوگیری از اختلاف، تخریب و تفرقه‌افکنی در بین کاندیدا، حامیان آن‌ها و گروه‌های مختلف جریان انقلاب
۳. جلوگیری از شکل‌گیری دولت سوم روحانی، ارتجاع به دولت ناکارآمد غرب‌گرا، دوگانه‌های ساختگی و کاذب که دهه تاریک و سخت ۹۰ را بر ملت عزیزمان تحمیل کردند.
۴. دفاع از نظام اسلامی در برابر حملات رسانه‌ای ایام انتخابات و همچنین تبیین خدمات دولت رئیس جمهور شهید سید ابراهیم رئیسی
۵. تبیین و تبلیغ جهت افزایش مشارکت عمومی در انتخابات

پیش‌رو این پویش تا روزهای نهایی و ارزیابی نظرسنجی‌ها و آراء ملت انقلابی ایران اسلامی با اصول ذکر شده و با شعار اجماع جبهه انقلاب پیش خواهد رفت و در نهایت تلاش می‌کند تا با وحدت کلمه در شرایط رقابتی انتخابات، جریان انقلاب را به سمت یک کاندیدای واحد پیش ببرد، حتی اگر این مهم به سرانجام نرسد، انجام ۵ مأموریت مذکور وظیفه و تکلیف جبهه انقلابی است. مسئله دیگر اینکه اجماع ما در مقابل اجماعی از جریان غرب گرا باید شکل بگیرد یعنی یکی از دلایل اجماع و هم افزایی، یک دست شدن جریان غرب گرا، اصلاحات، تندرو و رادیکال است که از آذرمنصوری به عنوان چهره رادیکال تا خاتمی و مرعشی و احزاب دیگر اصلاح طلب همه و همه پشت پزشکیان ایستادند. هرچند باید گفت که آن‌ها پزشکیان را در قامت رئیس جمهور نمی‌بینند اما همه آمدند کنار پزشکیان چون می‌خواهند دوباره به قدرت برگردند. از ۱۳۹۸ که مجلس و سپس ۱۴۰۰ دولت را از دست دادند خود را بدون مقام و جایگاهی می‌بینند لذا به خاطر به قدرت رسیدن هم که شده همه دست به دست دادند تا با حمایت از پزشکان دوباره به قدرت برگردند. لذا این اجماع با تمام ظرفیت‌های اصلاح طلب یک اجماع همه جانبه نیروهای انقلاب را می‌طلبد. جبهه انقلاب باید در مقابل این اجماع همه جانبه‌ای که قرار است دوباره



بررسی شاخص‌های ریاست جمهوری؛

# چه رئیس جمهوری می‌خواهیم؟

نسبت جدید داشت. این نسبت دوگانه مصداق بارز «بار کج به منزل نمی‌رسد» می‌باشد. می‌توان با نگاه تاریخی این موضوع را نیز اثبات کرد. در روزگار دفاع مقدس مردم یک نسبت جدید با دولت تعریف کردند و مردم در قالب بسیج طراحی عملیات‌های مختلف را بر عهده می‌گیرند. وقتی این نسبت درست شود مسلما دولت اجازه یک حرکت وسیع چون بسیج را می‌دهد. مردم آمدند، طراحی و حضور را بر عهده خودشان گذاشتند. با این نگاه خرمشهر فتح شد. حال در جنگ اقتصادی، ما مدام می‌گوییم با وجودی که دولت امکانات دارد چرا مشکلات را حل نمی‌کند. باید مردم به یک نسبت جدید دعوت کرد تا نقش محوری اساسی برای مردم پیش بیاید و مردم بتوانند در متن این جریان قرار بگیرند. بنابراین، دولت به جای واگذاری امکانات باید به مردم فرصت عمل بدهد.

در این نگاه انسل محور حرکت است و به جای اینکه امکانات را منشا حرکت ببینیم مردم را پیش برنده می‌بینیم. لذا در این روزها و پس از شهادت آیت الله رئیسی باید فکر کنیم چه رئیس جمهوری می‌خواهیم؟ رئیس جمهوری که میخواهد امکانات کشور را توزیع کند یا مسئله عمیق‌تری در میان است؟ وقتی می‌گوییم دولت مردمی می‌خواهد باید سر کار فکر می‌کنیم باید امکانات را بگیرد و بدهد به مردم ولی باید حواسمان باشد که ما با همه امکانات دولت باز هم نمی‌توانیم مشکلات اقتصادی‌مان را حل کنیم پس مسئله دادن امکانات نیست. مسئله نوع نگاهی است که نسبت به مردم داریم و آیا میتوانیم میدان عمل وسیعی در برابر مردم بگذاریم.

برخی مواقع با اشخاصی مواجه هستیم که خیلی اجرایی هستند ولی این نوع نگاه در آنها نیست. فکر میکنیم که رئیس جمهور با آن توان اجرایی‌اش میتواند پیش برود در حالی که حواسمان نیست آن توان اجرا در شرایطی که شما نمیتوانی با دولت مسائل کشور را حل کنی و نیازمند مردم هستی جای مردم را تنگ میکند. آیا میتوانیم کسی را داشته باشیم که نگاه عمیق تری داشته باشد. آیا می‌تواند با آن نگاه عمیق‌تر به جای نگاه به قدرت اجرای خودش، فرصت عمل را در اختیار مردم بگذارد.

بسیجی‌ها عاشق امامی هستند که به ایشان فرصت عمل و شهادت داده است. از آخر روستایی عاشق امامی شده است که به او فرصت جنگیدن داده است. فرصتی داده است تا به جای واگذاری امکانات، یک روستایی بتواند خودش را پیدا کند. داشتن این نوع نگاه برای یک رئیس جمهور بسیار دشوار است و فکر می‌کنیم مردم دنبال امور خرد و ... هستند. متأسفانه فریب این ماجراها را سال‌هاست خورده‌ایم. سال‌ها خودمان را با وعده وعیدکاندیداها درگیر کردیم و نتوانستیم وارد عمل شویم. این حرف کرامت مردم را زیرسوال بردن است. مردم در سیاست به دنبال حقیقتی هستند و ما آن را متوجه نمی‌شویم و فکر میکنیم صرفا از دولت امکانات می‌خواهند.

حال در انتخابات پیش رو می‌توان به شخصی فکر کرد که واجد نگاهی عمیق از جنس نگاه امام باشد. مسئله در سیاست یک نوع نگاه است. ما یک تشکل یا حزب در برابر بقیه نیستیم. ما باید در افق نگاه حضرت امام در سیاست باشیم. در افق نگاه امام مردم جای دیگری دارند. حالا اگر کسی این نوع نگاه را داشته باشد و حتی اجرایی هم نباشد هیچ مشکلی نیست چرا که فرصت عمل را به آدم می‌دهد و باید به دنبال چنین گزینه‌ای بود.



محمدامین جاودان

فعال سابق نشریات دانشجویی

واقعیت امروز، ریشه در گذشته‌ای دارد که توضیح دربارۀ آن بسی مشکل و دشوار است. بازخوانی سیاست و دیانت از آن نگاه‌های کلانی است که حضرت امام خمینی(ره) آن را محور اصلی حکومت دینی قرار دادند و رخداد‌های امروز ریشه در آن دارد. پس اگر بخواهیم حال امروز خود را ترسیم کنیم نیازمند تعبیری هستیم که از آن با عنوان سیاست دینی نام برده می‌شود.

شهادت رئیس جمهور، شکل جدیدی از سیاست عرضه شد. گویا تشیع میلیونی و حماسه مردم تصویری از انقلاب نمایان کرده بود که همه به دنبال آن بودند. شاید سخن گفتن از این تصویر، بسیار سخت باشد اما وجود انتظارات در بین مردم، تشریح آن را آسان کرده است.

از این گزاره شروع می‌کنم که ما در کشور با انبوهی از مسائل و مشکلات روبرو هستیم و می‌خواهیم این مسائل حل بشود. در نهایت به این جمع‌بندی می‌رسیم که کشور یک مدیر اجرایی تراز می‌خواهد تا کارها پیش بروند. خوب؛ الان چه ارتباطی میان تشیع میلیونی و مشکلات و مسائل موجود وجود دارد؟ فقدان رئیس جمهور برای مردم بسیار دشوار بود اما وزای همه این دشواری‌ها، مردم در جست و جوی یک حقیقت بودند. با اینکه بارها و بارها سخن از این گفتند که تنها طیف انقلابی و مذهبی در تشیع حضور داشتند اما این ناتوانی ما را در گفتمان سیاست دینی نشان می‌دهد. باید بتوانیم سیاست دینی را دنبال کنیم تا مقوله انتخابات برابمان روشن‌تر شود. آیا شهادت رئیس جمهور و حوادث بعد از آن، زمینه‌ای برای بیان حرف‌های اصلی انقلاب و ایجاد پیوند جدید و دعوت به آن نیست؟

نوع نگاه جدید را می‌توان از دیدگاه حضرت آقا استنباط کرد. ایشان در این سال‌ها مکررا تأکید می‌کنند که ما باید در اقتصادی کاری کنیم که مردم در صحنه حاضر شوند و می‌گویند جهش در تولید باید رخ بدهد و برخی خطاب به ایشان می‌گویند امکان‌پذیر نیست و اعتقادی هم ندارند ولی آقا به مردم نگاه می‌کنند، به میدان نگاه می‌کنند که مردم می‌توانند در صحنه حاضر باشند و حرف برای گفتن دارند. در واقع حاصل از این گفتار این است که باید نسبت جدید بین مردم و دولت شکل بگیرد تا میوه‌های آن برداشت شود و همه بهره‌مند گردند. این نسبت باید آشکار شود. متأسفانه در یک بازه زمانی چند دهه ساله شاهد بودیم که دولت خود را در ساحتی تعریف می‌کند که باید مراقب مردم باشد و مردم را عمل در یک نسبت مخالف با خودشان تعریف می‌کنند؛ در نتیجه این اقدام مردم هیچگاه با دولت همراه نمی‌شوند. برای مثال: کار دولت، اجرای قانون و احکام خودش در نسبت با مردم است یا اجرای قانون به نحوی که مسیرهای برای مردم باز شود. در نسبت با رئیس جمهور آینده باید به فکر این باشیم که چطور نسبت دولت و مردم درست شود. اگر بخواهیم با همین نسبت موجود، کسی را انتخاب کنیم فرقی ندارد که یک شخص خیرخواه رئیس جمهور می‌شود یا غیر آن؛ چرا که در نهایت مشکلات مردم تشدید می‌شود. در بازخوانی سیاست دینی ما باید ببینیم که می‌توانیم چنین وظیفه‌ای را بر عهده بگیریم و نسبت جدید تعریف کنیم یا نه؛ چون که نمی‌توان از انتظاراتی و وظایف دولت از جنبه مردم سخن گفت و بعد انتظار تعریف

## ماهنامه خبرنامه کاغذی دانشجویان ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: علی خضریان ■ قائم‌مقام مدیرمسئول: مسلم خلخال ■ سردبیر: یونس فرزین فرد ■ تحریریه: ملیکا پرتابیان - نازیلا کاظمی - شکوفه راشدی - علی پیراینده ■ صفحه‌آرا: فرزانه قربانی

ترتیب انتشار: ماهنامه ■ زمینه انتشار: سیاسی، اجتماعی ■ چاپخانه: هدف نوین ■ آدرس: تهران، میدان فردوسی، خیابان ایرانشهر، پلاک ۲۶ واحد ۲ ■ تلفن: ۰۲۱۸۸۸۲۹۲۷۵ - ۰۹۳۷۰۷۴۸۵۵۰